

سازمان‌های مردم‌نهاد و امنیت شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر اصفهان)

دکتر علیرضا شیروانی^۱، حجت‌الله فرزانه^۲

چکیده

مقاله‌ی حاضر با هدف بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتقاء احساس امنیت اجتماعی مردم در شهر اصفهان تدوین شده است. این پژوهش برخی ابعاد و مؤلفه‌های احساس امنیت (احساس امنیت مالی، احساس امنیت جانی، احساس امنیت اجتماعی) را که صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، روان‌شناسی بدان توجه داشته‌اند، با تأکید بر اندیشه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و مدرن مورد بحث و بررسی قرار داده است. در این تحقیق متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، آگاهی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی و مدت عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان متغیر مستقل و احساس امنیت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایش است و از شیوه‌ی نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شده است. جامعه‌ی آماری، کلیه‌ی سازمان‌های مردم‌نهاد فعال و در دسترس در شهر اصفهان بوده است که تعداد آن‌ها ۳۰ سازمان می‌باشد و جمعاً حدود ۲۴۲۴۰ نفر عضو در آن وجود دارد که به عنوان جامعه‌ی آماری تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد احساس امنیت رابطه‌ی مثبتی با سرمایه‌ی اجتماعی، آگاهی اجتماعی و پایگاه اجتماعی دارد. اما ارتباط معناداری بین احساس امنیت با مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، مدت عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد و نوع فعالیت سازمان و سن مشاهده نگردید. همچنین آزمون تحلیل واریانس نشان داده است که حداقل اختلاف میانگین احساس امنیت در بین افراد با تحصیلات متفاوت و جنسیت متفاوت معنادار است. با توجه به تحلیل رگرسیونی

BaleAndisheh@htomail.com

۱- دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

hojatfarzan@gmail.com

۲- کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چندمتغیره می‌توان نتیجه گرفت که بین احساس امنیت و متغیرهای چندگانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، آگاهی اجتماعی، پایگاه اجتماعی و مسؤولیت اجتماعی رابطه وجود دارد و از بین متغیرهای چندگانه‌ی ذکر شده همچنین سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌ترین اثر را در تبیین احساس امنیت داشته است و متغیر آگاهی اجتماعی کم‌ترین اثر را در بین متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت داشته است.

کلیدواژه‌ها: سازمان مردم‌نهاد، امنیت، احساس امنیت، آگاهی اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، مسؤولیت اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی

مقدمه

امنیت و احساس امنیت یکی از نیازهای فطری انسان بوده و با ذات او آمیخته شده است و همواره مورد توجه متفکران مکاتب فکری مختلف از جمله خلف روانشناسی-جامعه‌شناسی و... بوده است. می‌توان گفت قدمت شناخت این علم به تنهایی علم بشر بوده و هر اجتماعی از انسان‌ها به تناسب نیازها و تحولات جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند از آن بهره برده‌اند. هر اجتماعی که در دوره‌های تاریخی زندگی می‌کرده است و بویژه دولتمردان آن اجتماع برای حفظ و بقای خود به ایجاد امنیت و احساس امنیت در بین شهروندان خود می‌پرداخته‌اند. شواهد تاریخی نیز حاکی از آن است که هر زمانی در جامعه‌ای آرامش و امنیت حکم فرماست آن جامعه رو به پیشرفت و در سایه‌ی این آرامش بسیاری از دستاوردهای علمی بشر رشد و ترقی نموده است. اما برعکس وقتی آرامش یک اجتماع دست‌خوش تغییر و تحول و یا حتی جنگ می‌شده، احساس امنیت به شدت افول کرده و شهروندان از بیم جان حتی نمی‌توانسته‌اند به کوچکترین امور زندگی خود سامان دهند؛ بر این اساس می‌توان اظهار کرد امنیت پیش‌زمینه‌ی یک اجتماع و احساس امنیت، بسترساز توسعه‌ی جوامع انسانی است.

در گذشته مفهوم امنیت معادل تهدید مرزهای کشور تلقی می‌شد اما امروزه اکثر مردم بیشتر از ناحیه‌ی نگرانی‌های مرتبط با زندگی روزمره احساس بی‌امنیتی می‌کنند تا از ترس وقوع یک فاجعه‌ی جهانی. امنیت شغلی، امنیت از نظر درآمد، امنیت از بابت سلامت، امنیت زیست‌محیطی، ایمنی از جرائم و جنایات و بسیاری ناامنی‌های دیگر،

نگرانی‌هایی هستند که در زمینه‌ی امنیت انسانی در سرتاسر جهان به ظهور میرسند. حکمای یونان باستان، اصلی‌ترین کار ویژه‌ی حکومت‌ها را، تحقق عدالت برای تأمین «امنیت» انسان‌ها قلمداد کرده‌اند. اندیشمندان عصر روشنگری (رنسانس) نیز امنیت را پایه و اساس زندگی بشر و مستحکم‌ترین بستر دوام و بقا، جوامع بشری محسوب کرده‌اند. بی‌شک بدون امنیت هیچ نیازی از نیازهای فردی و اجتماعی به طور کامل قابلیت ارضا، پیدا نمی‌کنند. امروزه تحولاتی در منابع تولیدکننده‌ی قدرت و تهدید پدید آمده و مفهوم و نحوه‌ی تأمین امنیت نیز دچار تحول شده است. متغیرهای جدیدی مانند قدرت تولید و بهره‌وری، مردم‌سالاری، حکمرانی خوب، میزان تولید دانش و اطلاعات، به عنوان نمونه‌ای از این منابع به شمار می‌روند.

مفهوم امنیت و تفسیری که از آن شده است همواره در معرض تغییر بوده است و تحولات مفهومی آن با تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... جوامع بشری هماهنگ بوده است و بدیهی است امنیت پدیده‌ای متغیر بوده مثل جوامع انسانی که از یک سو مورد برخورد و تعامل دائم با شرایط و تغییرات محیط طبیعی و از سوی دیگر در برخورد و ارتباط مستمر با جوامع دیگر هستند و این فرایند که ناشی از برخورد و تعاملات این دو روند در طول زمان، تعیین‌کننده‌ی نسبی نیازها و خواسته‌های قومی، اجتماعی و ملی یک جامعه است و از آنجایی که امنیت ریشه و اساس رشد هر اجتماعی اعم از فکری - علمی و سیاسی، فرهنگی و ... بوده و از طرفی همگی این عوامل نیز بر امنیت تأثیرگذارند و امنیت از جمله پدیده‌های مهم و شایان توجهی است که نیازها و ضرورت‌های اساسی و پایه‌ای فرد و جامعه به شمار می‌رود، فقدان آن یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال دارد و تأمین و مراقبت از آن در فرآیند پایایی و پایداری امنیت، در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و جغرافیایی مطلوبیت ویژه‌ای دارد. امروز بیش از همیشه ضرورت طراحی یک «جامعه‌ی امن» بر پایه‌های روابط و مناسبات سازگار و تعریف و تجدید مفاهیم اساسی نظیر: ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها، واقعیت‌ها، درون و برون، فرد، اجتماع، مردم

و دولت، فرهنگ، اقتصاد، مذهب و سیاست، قدرت و ... ما را به یادگیری می‌خواند و این مهم جز در سایه‌ی باور به این اصل که امنیت رفیع‌ترین ارزش یک جامعه است، ممکن نیست.

از دیدگاه اسلام، مردم در عینیت بخشی و کارآمدی حکومت نقش اساسی دارند. یکی از زمینه‌های مشارکت مردمی در امور جامعه را می‌توان در حضور آن‌ها در سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) دانست. سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح عام نیروهای مهم برای دموکراتیزه کردن و تقویت نهادهای جامعه‌ی مدنی محسوب می‌شوند و تغییرات اجتماعی را تسهیل کرده سرعت می‌بخشند و نقشی اساسی در دریافت و انعکاس بازخوردها درباره‌ی رویکردها، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها دارند بنابراین این سازمان‌ها می‌توانند منشأ خلاقیت، نوآوری و آزمودن رویکردهای نوین در قبال مسائل حفظ و ارتقاء امنیت باشند.

امروزه بحث امنیت با بالا رفتن سطح مشارکت و آگاهی‌های عمومی مفهومی جدید پیدا کرده است. به طوری که نه تنها مردم از حالت کاملاً انفعال محض، خارج شده‌اند و با تشکیل سازمان‌ها و نهادهای مستقل و غیردولتی بخش مهمی از امنیت جامعه را در دست گرفته‌اند، بلکه بالا بردن سطح تفاهم و گفتگو میان دولتمردان و مردم به عنوان یکی از کلیدهای اساسی در تقویت امنیت اجتماعی به حساب می‌آید.

از آنجایی که سازمان‌های مردم‌نهاد در میان مردم واکنش توده‌ها متولد شده و پا گرفته‌اند و با مشکلات تماس بیشتر و بهتری دارند، می‌توانند در ایجاد مسئولیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی و راه بسط اعتماد مردم را در همکاری با سازمان‌های دولتی مثل پلیس را هموار نمایند و از طرفی چون این سازمان‌ها نه داعیه‌ی قدرت دارند و نه به دنبال امتیازات مختلف هستند مردم در سطح گسترده به آن‌ها اعتماد می‌نمایند و می‌توانند نقش بسیار مؤثری در ارتقاء امنیت اجتماعی ایفا نمایند. در جامعه خواهان امنیت پایدار، نمی‌توان فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را نادیده گرفت؛ سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌های کوچکی هستند (متشکل از افراد علاقه‌مند به رفع یک معضل در جامعه) که برای تحقق

هدف خود به صورت داوطلبانه در یک ساختار قانونی و منسجم به صورت غیردولتی، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیرتجاری به فعالیت‌های خیریه می‌پردازند و به عنوان جوامعی که از همسویی اهداف و نگاه‌بخشی از افراد جامعه و همچنین مشارکت مردم با یکدیگر برای تحقق یک هدف مشترک تشکیل می‌شوند، می‌توانند نقش مهمی در ارتقاء امنیت ایفا کنند.

امنیت چه در بعد روانی و چه در بعد فیزیکی، از دغدغه‌های همیشگی انسان‌ها بوده است و از طرفی ما در عصر جدیدی هستیم که در آن شکل‌های جدید سازمانی بر مبنای چند پارگی تمرکززدایی و شبکه استوار است و بی‌ثباتی‌های محیط سازمان‌ها و تغییرات شتابان و اهمیت گردش اطلاعات، همکاری بیشتری، را میان سازمان‌های گوناگون می‌طلبد و به نظر می‌رسد ما در زمانی هستیم که در آن مشارکت امری ناگزیر خواهد بود و نقش اساسی سازمان‌های مردم‌نهاد در جریان کمک به حفظ و توسعه امنیت، ایجاد ظرفیت اجتماعی در مراحل برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیت‌های مربوطه، دارای اهمیت ویژه‌ای است.

مبانی نظری تحقیق

چارچوب نظری مورد استفاده در این تحقیق:

متناسب با پیچیده شدن روابط اجتماعی در عصر مدرنیته و خارج شدن این روابط از حالت‌های ساده‌ی اولیه که جنبه‌ی فیزیکی و محسوس داشت، عوامل پنهان و غیر فیزیکی امنیت در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی و... روز به روز اهمیت بیشتری پیدا کرده و با اینکه در گذشته عوامل اجرایی و فیزیکی امنیت مانند پلیس، قوه‌ی قضاییه و... بیشترین اهمیت را داشته. امروزه علاوه بر این عوامل، عواملی چون مشروعیت نظام سیاسی یکپارگی اجتماعی، توان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری- امور فرهنگی و... حرف اول را در امنیت و مباحث امنیت می‌زند.

«امنیت» واژه‌ای است که به شدت از تعریف می‌گریزد و حتی عملیاتی کردن آن نیز دشوار است. بیشتر جامعه‌شناسان این مفهوم را به طور کلی نادیده می‌گیرند و بر واژگانی همچون «قدرت، اقتدار، نظم و کنترل» متمرکز می‌شوند. آنان بر مواردی مانند فرآیندهای انتخاباتی گروه‌های ذی نفوذ، سازماندهی و جامعه‌پذیری تأکید می‌کنند. از سوی دیگر، علمای سیاست چنین می‌پندارند که مفهوم «امنیت» اساساً به معنای بقای دولت ملی است و بدین سان، خود را با تلاش برای تعریف تفصیلی آن آزار نمی‌دهند اما در مقابل می‌پندارند: امنیت به حفظ تمامیت و حرمت دولت و حراست از ارزش‌های ملی در مقابل دشمنان خیالی یا واقعی مربوط می‌شود بنابراین، امروزه با وجود تلاش‌های فراوان برای ارائه‌ی تعریفی مشخص از امنیت، اختلاف نظر درباره‌ی آن و ابزار تأمین آن وجود دارد زیرا امنیت ملی یکی از پیچیده‌ترین بحث‌ها در عرصه‌ی اجتماعی است، تا جایی که عده‌ای آن را امری ذهنی برمی‌شمرند و ذهنی بودن آن را نیز ناشی از چهار امر می‌دانند:

۱. میزان اعتباری که نخبگان یک کشور برای نیروهای تهدیدکننده قائل می‌شوند.
۲. میزان ارتباطی که آنان می‌توانند با عامل تهدید برقرار سازند.
۳. توانایی (محدودیت و مقدرات) خودی در رویارویی با دیگران
۴. میزان درجه، اعتبار، فوریت، اولویت، مرکزیت ارزش‌ها و منافع مورد تهدید (نوید نیا، ۱۳۸۲: ۴۶).

در مجموع می‌توان مفهوم «امنیت» را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها، و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیر مترقبه و در کل هرعاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعریف نمود (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲).

امنیت و احساس امنیت

بین امنیت و احساس امنیت تفاوت وجود دارد؛ امنیت به عنوان فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش‌های جامعه مطرح می‌شود. بر این اساس اگر امنیت را شامل تمهیداتی برای

حفظ زندگی اعضای جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان بدانیم، می‌توان امنیت اجتماعی را رفع تهدید از عنصر اتصال‌دهنده‌ی اعضای جامعه به یکدیگر در نظر گرفت. احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود. در واقع زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی خطری جان، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. احساس امنیت به عنوان یک پدیده‌ی روانشناختی و اجتماعی، تحت تأثیر تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط متفاوت اجتماعی است که انسان‌ها برای دستیابی به زندگی سالم و تداوم روابط اجتماعی نیازمند آن هستند.

احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی مردم از میزان وجود یا عدم وجود ناهنجاری و جرم در آن جامعه باز می‌گردد؛ به عبارت دیگر، احساس امنیت نمایشی از تلاش همگانی برای اداره‌ی جامعه به شیوه‌ی صحیح و اصولی است (قربان حسینی، ۱۳۷۷: ۲۳). احساس امنیت به قابلیت و حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی به شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است (فراهانی، ۱۳۸۷: ۱۴۲). بوزان امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ و مذهب و هویت ملی می‌داند. (کلاهیجان، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

احساس امنیت در یک جامعه در سطح فردی، به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم در آن جامعه برمی‌گردد، هر چه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت پایین‌تر است ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعث از عدم وجود امنیت در یک جامعه نخواهد بود، ممکن است در یک جامعه، امنیت وجود داشته باشد، ولی شهروندان آن، احساس امنیت نکنند و برعکس. (همان: ۱۳۶).

مفهوم امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی است. امنیت، بعد عینی مسأله و احساس امنیت به عنوان بعد ذهنی تلقی می‌شود. امنیت در معنای عینی؛ فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را معین می‌کند. امنیت در بعد عینی به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمنی

برای حفاظت ارزش‌های اصولی و حیاتی ملی است، امنیت از بعد ذهنی به معنای احساس امنیت است یعنی امنیت از بعد ذهنی ارتباط مستقیمی با ذهنیت و ادراک مردم دارد (خوش فکر، ۱۳۷۹: ۲۷۱).

احساس امنیت به عنوان یک متغیر اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعدد اجتماعی و فردی قرار گیرد، از جمله عواملی که بر احساس امنیت اجتماعی در یک جامعه تأثیر می‌گذارند می‌توان به نابرابری اجتماعی، میزان سرمایه‌ی اجتماعی در دسترس، مشارکت، پایبندی به ارزش‌های مشترک، اعتماد اجتماعی و عوامل زمینه‌ای مثل جنسیت، سن، نوع خانواده و ... اشاره کرد (میری آشتیانی، ۱۳۸۳).

راهبردهای امنیت اجتماعی

توجه به شرایط متحول درونی و پیرامونی و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این تحولات بر امنیت اجتماعی، شرطی اساسی در برنامه‌ریزی برای فرآیند تولید و حفظ امنیت اجتماعی است. برنامه‌ریزی برای مدیریت امنیت اجتماعی باید از جامعیت لازم برخوردار باشد تا بتواند سه فرآیند تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا را در حوزه‌ی مدیریت امنیت اجتماعی با بهره‌مندی از نگرش سیستمی، باید نقش و جایگاه از سیستم‌های چهارگانه‌ی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را مشخص کند تا به وسیله‌ی آن بتوان مؤلفه‌های امنیت و مدل‌های تحلیلی را بر پایه‌ی واقعیات و یا توجه به نظام رفتاری - فرهنگی جامعه پایه‌ریزی کرد. انجام موفقیت‌آمیز این مدیریت، خود نیازمند مجموعه‌ای از اعمال مدیریت‌هاست که در اینجا به اختصار به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱- مدیریت تغییرات: تغییرات در دنیای جدید با چهار ویژگی سرعت، گستره، شدت و پیچیدگی عرصه‌های فراوانی را تحت تأثیر قرار داده است. امروزه تغییرات با تکیه بر منابع داخلی و پیرامونی از حیث قاعده‌ها و ویژگی‌های نوینی پیدا کرده است. از آنجا که تأثیر امنیت و بویژه امنیت اجتماعی از تغییرات بسیار زیاد است، کنترل و مدیریت عوامل تغییردهنده، نقش بسزایی در افزایش و کاهش امنیت اجتماعی خواهد داشت.

۲- مدیریت توسعه: توسعه فرآیندی یکپارچه است که در تحلیل سیستمی با ابعاد چهارگانه نظام ارتباط تنگاتنگی دارد. به همین دلیل بسیاری از اندیشمندان جدید حتی در تحلیل نظری به تجزیه‌ناپذیر بودن توسعه توجه می‌نمایند و مفهوم «توسعه‌ی پایدار» یا «توسعه‌ی همه‌جانبه» در این راستا وارد ادبیات توسعه شده است. نگرش بخشی به توسعه، آثار و تبعات فراوانی را بر جامعه تحمیل می‌نماید از این رو در توسعه توجه به سه مسأله: ۱- انطباق با متن فرهنگی جامعه؛ ۲- همه‌جانبه بودن؛ ۳- تدریجی بودن، می‌تواند چشم‌انداز امیدبخشی را برای نظام به ارمغان آورده و محیط داخلی نظام را مستعد تعادل و توانمندی برای تعامل با محیط پیرامونی نماید.

۳- مدیریت انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی که ناظر بر حوزه‌ی اشتراکات افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است در فرآیند سه‌گانه سامان جوامع (تجمع، تفکیک، انسجام) متناسب با سیر تحول تاریخی جوامع و تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی جوامع تغییر می‌کند. انسجام اجتماعی خود واجد سه فرآیند اساسی هماهنگی ساختاری، وحدت نمادی و ثبات سیاسی است. در هماهنگی ساختاری هم‌راستایی ساختارهای اساسی نظام، در تولید بسترهای امنیت‌ساز و تأمین نیازهای اساسی جامعه مدنظر قرار می‌گیرد. توجه به ساختارهای تقویت‌کننده‌ی امنیت و اصلاح ساختارهای تضعیف‌کننده‌ی آن، میزان و سطح امنیت اجتماعی را ارتقا خواهد داد. در وحدت نمادین، میزان اشتراک افراد و گروه‌های اجتماعی در باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده مورد توجه قرار می‌گیرد که نیازهای کلان فرهنگی افراد و گروه‌ها در این حوزه اشتراکی برآورده می‌شود. در این رابطه تولید و بازتولید محصولات فرهنگی متناسب با نظام در سطح عملی از راهکارهای تاکتیکی محسوب می‌شود و همچنین تثبیت گروه‌های مرجع خودی، از سیاست‌های میانی به حساب می‌آید. در ثبات سیاسی به میزان مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی عطف توجه می‌شود؛ چرا که انسجام اجتماعی در شرایط ثبات سیاسی امکان تحقق و تداوم پیدا می‌کند.

۴- مدیریت اطلاعات: دنیای امروز دنیای اطلاعات و ارتباطات است و دانایی و اطلاعات اساسی‌ترین منبع و دارایی جوامع محسوب می‌شود. اطلاعات و دانایی به واسطه‌ی ویژگی‌هایی چون سیال بودن، نسبی بودن، سرعت اشاعه، محدودیت کنترل، فقدان محدودیت مرزی، ظرافت و حساسیت، فرصت‌های نوینی را فرا روی نظام کلان مدیریتی کشور گشوده است که در صورت غفلت و عدم توجه به آن، قابلیت بالایی برای تبدیل شدن به چالش دارد. از این رو، در مدیریت اطلاعات نحوه و کیفیت بهره‌مندی از فناوری اطلاعات در تأمین نیازمندی‌های جامعه در سطوح مختلف که بسترساز تولید و حفظ امنیت هستند، به شدت مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵- مدیریت انطباق: منظور از مدیریت انطباق آن است که افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها طوری ظرفیت تولیدشان را در جامعه بالا ببرند که در هر سطحی قابلیت انطباق بیشتری با محیط خود پیدا کنند و در این حوزه در پایین‌ترین سطح نظام رفتاری، فرد قابلیت حل مسأله بیشتری را کسب نماید و قابلیت یادگیری فکری و ارتقا سطوح مهارت زندگی متناسب با شرایط نوین افزوده شود. نظام اقتصادی در سطح کلان باید بتواند در تعامل دوسویه با نظام‌های دیگر امکان بیشتری را در رفع نیازهای جامعه پیدا کند. نظام فرهنگی قادر به تولید و ذخیره‌سازی، بازیافت و توزیع اطلاعات بیشتری شود تا قدرت انطباقی نظام، متناسب با سطوح تغییرات افزایش یابد.

۶- مدیریت هویت جمعی: در جوامع جدید هر روز شاهد گروه‌بندی‌های اجتماعی و تکثر گروهی هستیم. اگر جهت روابط گروه‌ها در ابعاد مختلف به سمت مبادله‌ای و ابزاری شدن هدف سوق پیدا کند، این وضعیت بستر مساعدی را برای تضعیف همبستگی اجتماعی فراهم می‌آورد زیرا غالب شدن وجه ابزاری روابط موجب اولویت یافتن منافع گروهی بر مصالح ملی شده و زمینه‌ی مساعد برای شکل‌گیری «ما» و هویت جمعی به وجود نمی‌آید. ساخت‌بندی جوامع ایجاب می‌نماید که جهت حرکت گروه‌بندی‌های اجتماعی به سوی ارزش‌های مشترک از پایین‌ترین سطوح به سمت هویت جمعی باشد و هویت جمعی، هویت‌های قومی، زبانی و گروهی را تحت شعاع

قرار دهد. برای عینیت یافتن چنین امری یافتن اشتراکات خرده‌فرهنگ‌ها و تأکید بر آن‌ها و نیز برقراری شرایط برای مجاورت و همزیستی مسالمت‌آمیز بیشتر میان خرده‌فرهنگ‌ها اقدامی مؤثر خواهد بود.

۷- مدیریت سرمایه‌ی انسانی: سرمایه‌ی انسانی پایه‌ای‌ترین سرمایه‌ی هر نظام اجتماعی به حساب می‌آید. کارآمدی یک نظام همواره در گرو منابع انسانی کارآمد است و توسعه‌ی منابع انسانی از یک سو به توانمندسازی و ارتقاء سطح کیفی سرمایه‌ی انسانی توجه دارد و از سوی دیگر به ظرفیت‌های ساختاری در راستای به کارگیری نیروی انسانی در نظام مدیریتی کشور توجه می‌نماید.

۸- مدیریت سرمایه‌ی اجتماعی: سرمایه‌ی اجتماعی در کنار سرمایه‌های مادی و انسانی، روابط اجتماعی را تسهیل و هزینه‌ی تعاملات میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی را کاهش می‌دهد. سرمایه‌ی اجتماعی با چهار عنصر ایمان، اعتماد و مشارکت، نقشی اساسی در ارتقاء سطح روابط اجتماعی در جامعه ایفا می‌نماید.

۹- مدیریت نیازها: در دنیای امروز در هم آمیختگی نیازها، میزان اشباع‌پذیری آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که حوزه‌ی نیازهای کاذب بسیار گسترده‌تر از نیازهای واقعی شده است؛ از این رو، در سطح نظام اجتماعی، مدیریت نیازها شامل بررسی و شناخت نیازها و ذائقه‌های جامعه، عرصه‌های تغییر و تحول در نیازها، مشکلات و معضلات در ارضاء نیازها، هم‌راستایی نهادها در سرمایه‌گذاری برای ارضاء نیازهای واقعی، از ضروریات اساسی است که ارتباط وسیعی با امنیت اجتماعی دارد.

سطوح تحلیل امنیت

اندیشمندان کلاسیک، امنیت را به دو بخش امنیت ملی و امنیت داخلی تقسیم کرده‌اند و برای هریک از آن‌ها هم ویژگی‌ها، شاخص‌ها، وجوه تعاریف مفهومی خاصی بیان کرده‌اند. این تقسیم‌بندی در واقع توجه اندکی به تحولات جهانی و منطقه‌ای روابط بین دولت‌ها در عرصه‌های گوناگون داشته است؛ در حالی که تحولات و تغییرات حادث

شده در حوزه‌های امنیتی در سطوح جهانی، منطقه‌ای و ملی و حتی درون‌ملی، الزامات و ملاحظات جدیدی را در تحلیل و تبیین ابعاد امنیت فراهم آورده است. از این رو طرح موضوعاتی چون «امنیت بدون مرز» و «امنیت جهانی» در تقسیم‌بندی امنیت مطرح گردیده است. با عطف توجه به مباحث بالا در مقاله حاضر، ما امنیت را به سه سطح امنیت ملی، امنیت داخلی و امنیت عمومی تقسیم می‌کنیم و این تقسیم‌بندی به معنی استقلال و یا عدم وابستگی این سه سطح از همدیگر نیست؛ زیرا این سه سطح در تحلیل سیستمی و در رابطه‌ای چندبعدی، مرزهای مشترکی با هم دارند.

جدول (۱) سطوح امنیت و ویژگی‌های آن

سطح امنیت	وجود	منشأ و بروز تهدید	حوزه‌ی تحلیل	واحد تحلیل	محور تحلیل	منظر	هدف
امنیت ملی	دفاعی - نظامی	اعم از داخلی و خارجی	اعم از محیط ملی و فراملی	دولت - ملت در نظام بین الملل	منافع، مصالح و یا آسیبها و بحران‌های ناشی از ترتیبات قدرت در جهان، منطقه و داخل	امنیتی - دفاعی - نظامی	مصونیت منافع ملی و واحد ملی
امنیت عمومی	سیاسی - قضایی - اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی (فردی - جمعی)	درون واحد ملی	جامعه و گروه‌های اجتماعی موثر	جامعه و گروه‌های اجتماعی موثر	منافع و آسیب - های ناشی از نظم و تغییر	اجتماعی - انتظامی - امنیتی	پایایی و پویایی نظام اجتماعی
امنیت داخلی	سیاسی - اجتماعی	درون واحد ملی	گروه‌های معاند سیاسی	گروه‌های معاند سیاسی	بحران‌های معطوف به موجودیت نظام	سیاسی - امنیتی - اطلاعاتی	مصونیت حاکمیت

(کارگر و سرور، ۱۳۹۰: ۲۰۱)

رویکرد مدرن امنیت

در رویکرد مدرن نگاه به امنیت با عطف توجه به زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی تعریف شد و علاوه بر فراغت از تهدید که عمدتاً از تهدیدات سخت نشأت

می‌گرفت، حفظ شرایط مساعد برای حفظ هویت اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی جامعه مورد تأکید جدی قرار گرفت. این رویکرد به امنیت با تغییر جهت‌گیری امنیت از تمرکز صرف بر دولت، به عموم مردم و بهره‌گیری از ظرفیت و توان جامعه در تولید، حفظ و بازتولید امنیت، شرایطی را فراهم ساخت که در استراتژی‌های امنیتی «زمینه و بستر» به عنوان پشتوانه‌ی امنیت ملی نیز قلمداد گردید.

این نوع نگاه به امنیت با تعبیری چون «امنیت اجتماعی شده» و امنیت جامعه‌محور» به سرعت در ادبیات مطالعات امنیتی وارد شد و فصل جدیدی از مطالعات امنیتی را پدید آورد که در نتیجه‌ی آن نسل جدیدی از نظریه‌پردازان امنیت مطالعات وسیعی در این حوزه را آغاز کردند. در حوزه‌ی امنیت عمومی که به عرصه‌ی روابط متقابل میان افراد و حوزه‌ی «حقوق شهروندی» مربوط می‌شود نگرش، مدرن فضایی را فراهم ساخته است که در آن «امنیت» واجد ویژگی‌هایی به شرح زیر شده است:

- ۱) امنیت نسبی و پویاست.
- ۲) امنیت تولید نظام اجتماعی کشور است.
- ۳) امنیت بر مصونیت متکی است نه ممنوعیت صرف.
- ۴) شاخص سنجش امنیت، ظرفیت‌های تحمل اجتماعی است.
- ۵) امنیت به عنوان اساسی‌ترین حق‌الناس، معامل ناپذیر است.
- ۶) امنیت پایدار برای مردم و از طریق مردم قابل انجام است.
- ۷) امنیت بزرگترین وظیفه‌ی حکومت و مهمترین حق جامعه است.
- ۸) امنیت به میزان بلوغ فرهنگی و انسجام اجتماعی و اراده‌ی ملی قابل حصول است.
- ۹) امنیت از زیربنه‌ها و میکرو ارگانسیم‌های جامعه و نهادهای بنیادین آن آغاز می‌شود.
- ۱۰) بار مسئولیت تولید و نگهداری امنیت را هیچ حکومتی بدون نقش جامعه نمی‌تواند تحمل کند.
- ۱۱) امنیت یک کلی پیوسته و در تعامل با نظامات دیگر است و از قواعد سیستم‌های باز پیروی می‌کند.

۱۲) امنیت رابطه مستقیمی با اقتدار و سازوکارهای نرم‌افزاری دارد نه صرفاً قدرت و سازوکارهای سخت افزاری. مطابق رویکرد مدرن تفکیک بین جامعه و دولت نه تنها پذیرفته نیست، بلکه خود می‌تواند عاملی برای ایجاد ناامنی باشد؛ از این منظر امنیت از درون جامعه جوشیده بنابراین نه تنها «امنیت داخلی» بلکه حتی امنیت خارجی با عنایت به مناسبات داخلی (بین عناصر مختلف جامعه و حکومت) درک می‌گردد. بر این اساس امنیت داخلی وضعیتی است که در آن اولاً هویت اجتماعی از ناحیه‌ی آسیب‌های داخلی و خارجی مصون باشد، ثانیاً بنیاد روابط سیاسی - اجتماعی بر مقوله‌ی «رضایت» و نه قدرت استوار باشد (افتخاری، ۱۳۸۲: ۹۳).

سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO)

سازمان‌های غیر دولتی عرصه‌ی جدیدی از شکل‌گیری و سازمان‌یافتگی بومی مردم در جوامع هستند که توانسته‌اند در رفع معضلات روحی و روانی کاهش آلام بشری، دستگیری از تهیدستان، آوارگان و بی‌سرپرستان نقش مهمی بازی کرده و مانع بسیاری از تهدیدات امنیتی جوامع شوند. افزایش روح نوع دوستی، درجه‌ی همبستگی اجتماعی، مشارکت جمعی و همدلی و همکاری و تعامل میان مردم، از دستاوردهای دیگر این سازمان‌هاست

منظور از این قبیل سازمان‌ها، تشکلهایی است که عموماً توسط تعدادی از گروه‌های غیرسیاسی و به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط و با اهداف غیرانتفاعی تأسیس می‌شوند و به فعالیت‌های اجتماعی مبادرت می‌ورزند. این قبیل تشکلهای در سراسر جهان و به اشکال و انحای مختلف عینیت می‌یابند و به انواع گوناگون سازمان‌دهی می‌شوند. نهادهایی مثل مؤسسه‌های خیریه‌ی ثبت‌شده، سازمان‌های غیردولتی توسعه، انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های زنان، سازمان‌های عقیده‌محور، انجمن‌های متخصصان، انجمن‌های صنفی و ائتلاف‌ها اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های کمک‌رسانی و

حرکت‌های اجتماعی، گونه‌هایی از این نوع تشکلهاست. امروزه به لحاظ گستردگی این قبیل نهادها، ملاحظه می‌کنیم که این سازمان‌ها در عمل نقش بسیار مهمی را به عنوان واسطه بین فرد فرد مردم و قوای حاکم ایفا می‌کنند. هرچند این سازمان‌ها بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود، می‌توانند تأثیرات خاصی بر روند حکمرانی بر جای بگذارند (مطهری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷۴)

سازمان‌های مردم‌نهاد به اشکال و انحای مختلف در سراسر جهان استفاده می‌شود و با توجه به بافت کلامی که در آن مورد استفاده قرار گرفته، به انواع گوناگون سازمان‌ها اشاره می‌کند. سازمان مردم‌نهاد در کلی‌ترین معنایش، به سازمانی اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار محسوب نمی‌شود، اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین فرد فرد مردم (اتم‌های اجتماع) و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند (همان منبع، ۱۷۵)

نیروی انتظامی در مقام دستگاهی که دارای اقتدار و قدرت ناشی از دولت و قانون است، ارتباط محکمی با حوزه‌ی عمومی (غیرقدرت) یعنی جامعه دارد. جامعه نیز متشکل از مردم و ساختارهاست. مردم قشرها و طبقات مختلفی را در برمی‌گیرند. ساختارها، نهادهای عمومی و مراکز بومی هستند که در قالب مناسبات خاص خود به صورت مستقل فعالیت می‌کنند. بخش مهمی از تعمیق مناسبات نیروی انتظامی با جامعه (مردم و نهادهای عمومی و سازمان‌های غیر دولتی)، در گرو افزایش آگاهی‌های شهروندی و ایجاد یک فرهنگ پویا و ملی در جهت اعتماد به سازمان پلیس است؛ به همین دلیل تأکید بر مسائلی مثل آموزش، تبلیغات مثبت، فرهنگ‌سازی، جامعه‌پذیری، اعتمادسازی و ... راهکارهایی مستلزم زمان هستند. مهم این است که دستگاه انتظامی کشور در سطح کلان سیاست‌گذاری، به حوزه‌ی عمومی اهتمام بیشتری داشته باشد... بی تردید استفاده از ظرفیت امنیتی مردم و نهادهای عمومی کشور، هزینه‌های امنیتی را کاهش داده و وقتی

مردم در این کار سهیم شوند، احساس مسئولیت بیشتری کرده و به تدریج فرهنگ امنیت‌بانی^۱ در میان مردم نهادینه و مستقر می‌شود.

آگاهی و اعتماد عمومی سرمایه‌ی اصلی سازمان‌های غیر دولتی (NGOs) است. آگاهی در این مراکز یک عنصر جهانی و انسانی است و عمدتاً افرادی که برای فعالیت وارد این سازمان‌ها می‌شوند، فارغ از مرزهای سیاسی و ملاحظات دولت‌ها به امور بشردوستانه می‌پردازند. طیف عمده فعالیت‌های این سازمان‌ها نشان می‌دهد که آنان مشکلات امنیتی و انسانی را در سطح جهانی نگاه می‌کنند و به همین دلیل می‌توانند پل مستحکمی برای رابطه با پلیس بین‌الملل هم محسوب شوند. در سطح ملی نیروی انتظامی کشور می‌تواند ضمن بسط همکاری با این مراکز (مثل مورد نهادهای عمومی) از ظرفیت این نهادها بهره‌برداری کند. دو عنصر آگاهی و اعتماد عمومی، سرمایه‌ی بسیار ارزشمندی است که برای پلیس می‌تواند برکت و ثمرات خوبی داشته باشد (خوش فکر، ۱۳۸۴: ۹۶).

از نظر زمانی ایجاد این سازمان‌ها به اندیشمندان اروپایی برمی‌گردد؛ "هگل" معتقد بود که جامعه در سه سطح کلان، در یک هرم اجتماعی قابل بحث و بر سیاست است: در رأس هرم قدرت، دولت یا حاکمیت قرار دارد. در میانه‌ی این سطح سازمان‌های واسط قرار دارند که نقش جامعه‌ی مدنی را ایفا می‌کنند و در پایین یا قاعده‌ی هرم شهروندان قرار دارند. در تئوری هگل جامعه‌ی مدنی از طبقات و گروه‌هایی ترکیب یافته است که افراد آن، به میل و اراده و خواست مستقلانه‌ی خود، بر محور برخی علایق فردی و شخصی گرد هم آمده‌اند. این افراد بر اثر تعامل و ارتباط با همدیگر موقتاً یاد می‌گیرند که از چنین روابطی به نفع شخصی خویش استفاده نکنند و به منافع جمعی و گروهی بیشتر نظر داشته باشند و از قوانین عام اطاعت کنند. بر این مبنا اگرچه می‌توان گفت که ورود افراد در جامعه‌ی مدنی ابتدا بر اساس انگیزه‌ها و منافع شخصی صورت می‌گیرد؛ بر اثر برخورد با دیگران و تجربه، نوعی کلیت و عمومیت و درک وابستگی‌های متقابل، از انگیزه‌های شخصی و فردی عبور و به علایق جمعی گرایش پیدا می‌کند و به اخلاق

^۱ - Security Keeping

حرفه‌ای پایبندی نشان می‌دهند. در منطق هگل هرچند این سازمان‌ها، به دنبال مطالبات خود هستند، نقش واسط بودن آن‌ها موجب می‌شود که مردم برای هر امری مستقیماً با حاکمیت در تقابل قرار نگیرند. در نهایت می‌توان گفت که داوطلب شدن، ویژگی مشخص سازمان‌هایی است که جامعه‌ی مدنی را تشکیل می‌دهند و به زبان دیگر می‌توان آن‌ها را سازمان‌های غیرانتفاعی نامید. در سازمان‌های داوطلبانه، عرصه‌ی مشارکت عمومی اتحادیه‌های صنفی و نظیر آن موجب می‌شود که نهاد قدرت از مطالبات اجتماعی از طریق این قبیل سازمان‌ها شود.

اگرچه انجمن‌های داوطلبانه‌ی شهروندان در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند، سازمان‌های غیردولتی در دو قرن اخیر توسعه یافته‌اند. یکی از نخستین سازمان‌های غیر دولتی، صلیب سرخ جهانی است که در سال ۱۸۶۳ تأسیس شد. عبارت «سازمان‌های غیردولتی» با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ به وجود آمد و فرایند جهانی‌سازی در قرن بیستم موجب اهمیت یافتن سازمان‌های مردم‌شده. در آن زمان امکان حل بسیاری از مشکلات توسط دولت یک کشور وجود نداشت و از سوی دیگر معاهدات بین‌المللی بیش از حد بر منافع مؤسسات مالی بزرگ متمرکز بودند بنابراین در اقدامی برای متعادل کردن این روند، سازمان‌های غیردولتی با تأکید بر مسائل بشردوستانه و کمک به توسعه تأسیس شدند (محسنی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۶).

از منظر پیشینه اصولاً سه مرحله یا دوران تکامل برای سازمان‌های غیر دولتی شناسایی شده است. در مرحله‌ی اول، نوع خاصی از سازمان‌های مردم‌نهاد شکل گرفتند که بر امداد رسانی و رفاه متمرکز بودند و مستقیماً به افراد ذی‌نفع خدمات امدادی ارائه می‌کردند. توزیع غذا، تأمین پناهگاه و ارائه‌ی خدمات بهداشتی، نمونه‌هایی از خدمات این قبیل سازمان‌های مردم‌نهاد بود. در مرحله‌ی دوم از تکامل، سازمان‌های مردم‌نهاد از لحاظ وسعت و اندازه، کوچک‌تر و به مجموعه‌های مستقل تبدیل شدند. سازمان‌های مردم‌نهاد در این مرحله، امکانات جوامع محلی را گسترش دادند تا بتوانند با «اقدامات محلی مستقل» نیازهای آن‌ها را برآورده سازند. در مرحله‌ی سوم سازمان‌های مردم‌نهاد در

دو سطح ملی و بین‌المللی تغییراتی به وجود آوردند و به تدریج این سازمان‌ها از سازمان مردم‌نهاد امدادرسان به سازمان مردم‌توسعه و آبادانی تغییر ماهیت دادند. با در نظر گرفتن چنین امری و در این راستا تاکنون بیش از سه هزار سازمان غیردولتی دارای مقام مشورتی با شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نیز تشکیل شده است که با در دست داشتن جواز حضور در جلسات مختلف نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، می‌توانند همانند دولت‌ها به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته، وضعیت حقوق بشری کشوری را نقد یا آن را تحسین کنند.

نهادهای مردمی؛ بستر همکاری امنیتی مردم و سرمایه‌ی اجتماعی

تکثیر و تنوع مردمی در صورتی می‌تواند در سازمان و نهاد پلیس کشور عملی گردد که پیشتر از آن در سیاست‌گذاری‌های کلان نظام سیاسی (به صورت قانون، برنامه و آیین‌نامه‌های رسمی) پذیرفته و تحقق یافته باشد. پذیرش این تکثر و تنوع راه را بر هرگونه محدودیت‌گرایی که مستلزم مخالف‌پروری است، می‌بندد. محمدرضا تاجیک معتقد است که هر نظام باید بتواند ضمن افزایش آستانه‌ی تحمل نظام، «دگرسازی» را کاهش و تخفیف دهد. این نگرش چنانچه در مدار و چرخه‌ی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نظام وارد و نهادینه شود، نخستین جایی که اثر مثبت خود را نشان می‌دهد، سازمان پلیس و نهاد انتظامی جامعه است. چنانچه سیاست‌مداران و مجریان امنیت جامعه، دیدگاه تنگ‌نظرانه و محدودی از مردم داشته و مطابق الگوی «تقلیل‌گرایانه» با مردم رفتار کنند، بخش بزرگی از مردم از دایره‌ی نظام امنیتی خارج شده و حالت تهدید بالقوه و ضدامنیتی پیدا می‌کنند. هرچه تنوع و تکثر مردمی در نزد پلیس بیشتر پذیرفته شود، ضریب امنیتی جامعه بالا می‌رود. البته این به معنای نفی اصول و چارچوبهای اساسی و ایدئولوژیک نظام سیاسی حاکم نیست، بلکه دقیقاً مربوط به حوزه‌ی برداشت‌ها و سلیقه‌های تصمیم‌گیرندگان و مدیران امنیتی است بنابراین حوزه‌ی عمومی، حوزه‌ی تنوع و تکثر است و سازمان انتظامی جامعه نباید خصایص و ویژگی‌های حوزه‌ی قدرت یعنی مسائلی مثل نظم، همسانی و انسجام شدید و قانونی را به حوزه‌ی عمومی (مردم)

تسری دهد، زیرا در این صورت اصل حوزه همگانی دچار بریدگی و گسست خواهد شد. نهاد پلیس در کشورهایی که دارای حکومت‌های طایفه‌ای، طبقاتی و نژادی بوده‌اند، باعث ستمگری‌ها، خونریزی، خشونت، سرکوب و در نتیجه برهم زدن بافت طبیعی و خدادادی جوامع شده‌اند (شاکری، ۱۳۸۱: ۶۸)

مشارکت‌جویی خصلت دیگر توده مردم است که آثار مفید امنیتی آن به ثبات اجتماعی، همبستگی اجتماعی و همکاری با دولت می‌انجامد. مشارکت از منظر این نوشتار یعنی رابطه‌ی «پلیس - مردم» در سپهر اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار است. مشارکت در سپهر اجتماعی به طور مستقیم و غیر مستقیم با نهاد پلیس ارتباط دارد. این مشارکت باعث تحکیم مناسبات انسانی، جلوگیری از شیوع جرم و تباهی در جامعه، همکاری مؤثر با مراجع انتظامی و سرانجام کار، ثبات اجتماعی و امنیت عمومی می‌گردد. مسأله «حفظ نظم عمومی» برای همه‌ی دولت‌ها و کشورها، امری جدی و به تعبیری پایه‌ی کار امنیت فراگیر در سطح جامعه است. این مقوله عامل پیوند مشارکت اجتماعی مردم و همکاری پلیس است. مهم آن است که پژوهشگران و راهبردهندگان حوزه‌ی امنیت عمومی بتوانند مسأله مشارکت اجتماعی را از حالت توجیه‌های انتزاعی به استراتژی‌های بومی تبدیل کنند. در کشوری مثل ایران نهادهای دینی مثل مساجد، تعاونی‌ها، هیأت‌های مذهبی، کانون‌های خیریه‌ی مردمی، زورخانه‌ها، خانواده و ... از نهادها و مراکز گسترش و تعمیق مشارکت و همبستگی اجتماعی بوده‌اند یا مثلاً در جوامع سنتی روابط خویشاوندی و سنت ریش‌سفیدی در مشارکت اجتماعی مردم تأثیر داشته است. مهم این است که ما مشارکت اجتماعی فعال مردم را در جلوگیری از جرائم و کاهش هزینه‌های مادی و معنوی انتظامی جدی تلقی کنیم (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۲: ۹۶)

مشارکت در قالب هیأت‌های منصفه (برای حل مشکلات جزئی و محلی) با توجه به حساس و مشکل بودن همکاری مردم با پلیس که در آن هم حیثیت و اقتدار نهاد امنیتی کشور حفظ شود و هم حقوق شهروندان، باید به گونه‌ای شفاف و دارای صراحت باشد. نظم عمومی در سپهر مشارکت مبهم و تعریف نشده، دستخوش تهدید می‌شود، زیرا یکی

از خطرات مشارکت عمومی بویژه در حوزه‌ی پیشگیری از جرم و جرائم، آن است که به سادگی می‌تواند به حربه‌ای برای انتقام برخی از شهروندان از دیگران تبدیل شود به سلب حقوق و آزادی‌های قانونی آنان منتهی شود که در این صورت هم مردم از حقوق خود سلب شده و هم پلیس بدنام می‌گردد. در هر صورت مشارکت مردمی پیامدهای مثبتی دارد که عبارتند از:

۱. کمک به نیروی انتظامی در کشف جرم و موقعیت مجرمان
۲. توجه به توصیه‌های پلیسی
۳. مشارکت بزه‌دیده (مجنی علیه) در دادرسی
۴. توسل به بخش‌های خصوصی (مثل) محافظ شخصی، پلیس شهرداری (در فرانسه) تشکیل گروه‌های خوددفاعی و پلیس پیمانی
۵. حل و فصل برخی موضوعات توسط نهادها و خود مردم
۶. ایجاد مسئولیت اجتماعی و اقدامات پیشگیرانه توسط نهادها و مردم.

اگر تنها نیروی انتظامی بخواهد امنیت ایجاد کند، قطعاً ناموفق است، پس مردم و دیگر سازمان‌ها و ارگان‌ها باید در تولید امنیت تأثیرگذار باشند بنابراین هرچه بین فضای اقتصادی- اجتماعی و سیاسی و فرهنگی فاصله باشد و از همدیگر جدا باشند، به همان اندازه بحران امنیت اجتماعی در جامعه پایدار خواهد شد و هرچه بستر و فضای مناسبی برای رشد امنیت اجتماعی وجود نداشته باشد، ما دیگر به توسعه‌ی پایدار اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی نخواهیم رسید و شاهد مسائل و مشکلات اجتماعی نشأت گرفته از توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی ناپایدار و ناموزون خواهیم بود (همان منبع، ۱۰۴)

جیمز جاکوب در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» سرمایه‌ی اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. یک مثال عینی این تعریف را در دنیای

امروزه می‌توان در تشکل‌های غیردولتی حمایت از محیط زیست یافت. این شبکه‌ی اجتماعی بعضاً نیروهای قدرتمندی را به صورت انجیو^۱ها به وجود می‌آورد که حتی در حمایت از محیط زیست موجب توقف پروژه‌های عمرانی دولت نیز می‌شوند.

جیمز کلمن سرمایه‌ی اجتماعی را از دیدگاه عملی اینچنین تعریف می‌کند: «نوعی از موجودات با دو عنصر مشترک: همه‌ی آن‌ها بخشی از ساختارهای اجتماعی را شامل می‌شوند، و بعضی از فعالیت‌های عاملان را در آن ساختار تسهیل می‌کنند یعنی؛ سرمایه‌ی اجتماعی هر آن چیزی است که ناشی از شبکه‌ی روابط، اعتماد، حس عمل متقابل و هنجارهای اجتماعی است که موجب تسهیل فعالیت فردی یا اجتماعی شود. از نظر کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی یک منبع خنثی است که هر نوع عملی را تسهیل می‌کند، اما اینکه جامعه از آن نفع می‌برد یا خیر کاملاً وابسته به کاربرد آن در یک موقعیت خاص است (همان منبع، ۸۳)

از نظر پیر بوردیو، سرمایه‌ی اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه‌ی مالکیت شبکه‌ی بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده‌ی آشنایی و شناخت متقابل بین افراد - یا به بیان دیگر عضویت در گروه - است؛ شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه‌ی جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد. البته سرمایه‌ی اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه‌ی پیوندهاست. در واقع پیوندهای شبکه‌ای باید از نوع خاصی باشند، یعنی؛ مثبت و مبتنی بر اعتماد. در کتاب «اشکال سرمایه» پیر بوردیو بین برای سه نوع سرمایه تمایز قائل می‌شود: سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی. او سرمایه‌ی اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه منابع حقیقی یا بالقوه‌ی مرتبط با مالکیت شبکه‌ی پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده بر اساس آشنایی و پذیرش متقابل. نگاه او به این مفهوم، نگاهی ابزاری و مبتنی بر سود مالکان سرمایه‌ی اجتماعی و «ایجاد هدفمند روابط اجتماعی با قصد خلق این منبع» است.

^۱ NGO

برخلاف بوردیو، کلمن از واژگان مختلفی برای سرمایه‌ی اجتماعی کمک گرفت. وی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلمن برای تعریف سرمایه‌ی اجتماعی از کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه‌ی اجتماعی ارائه داد و نه تعریفی ماهوی. بر این اساس سرمایه‌ی اجتماعی شیء واحدی نیست بلکه چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه‌ی آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه‌ی اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه‌ی اجتماعی مانند سرمایه‌ی فیزیکی و انسانی، کاملاً تعویض‌پذیر نیست اما نسبت به فعالیت‌های بخصوصی تعویض‌پذیر است.

شکل معینی از سرمایه‌ی اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است، ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیان‌مند باشد. سرمایه‌ی اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد. بنابراین از نظر کلمن سرمایه‌ی اجتماعی شامل یک چارچوب اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد درون این چارچوب می‌شود؛ به گونه‌ای که فقدان آن ممکن است در دستیابی به هدف معین، هزینه‌ی بیشتری به افراد آن جامعه تحمیل کند.

بر اساس گفته‌ی رابرت پوتنام، سرمایه‌ی اجتماعی، به ارزش جمعی همه‌ی شبکه‌های اجتماعی و تمایلات ناشی از این شبکه‌ها برای کمک به یکدیگر اشاره دارد. بر اساس نظر او و پیروانش، سرمایه‌ی اجتماعی عنصری کلیدی در بنا و برقراری دموکراسی است. از نظر پاتنام، سرمایه‌ی اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. به بیان دقیق‌تر سرمایه‌ی اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه جدا شدن، تقویت هنجارهای مستحکم بده - بستان، تسهیل جریان

اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به شهرت کنشگران و تجسم موفقیت‌های گذشته، سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک کند.

پیشینه‌ی تحقیق

وارن گاری و گالف در تحقیقی با عنوان «سازمان‌های غیردولتی بنگلادش: فعالیت‌ها، منابع و» اداره‌ی امور از بانک جهانی، واشنگتن دی سی، ایالات متحده آمریکا و دانشگاه کلمبیا نیویورک و دانشگاه‌های آمریکا، نتایج یکی از اولین و بزرگترین بررسی‌های ملی نمایندگی NGOs سازمان‌های غیردولتی را در یک کشور در حال توسعه بیان کرده‌اند. ساختار سازمان‌های غیردولتی در بنگلادش، سازمان یافته، پیچیده و شبیه به هم است. اکثر سازمان‌های غیردولتی شامل شعبه‌ی مرکزی و چند شاخه هستند که این شاخه‌ها از شعبه‌ی مرکزی استقلال محدودتری دارند. اکثر سازمان‌های غیردولتی درون کشور، چه بزرگ و چه کوچک، بر خدمات اعتباری تمرکز داشته و بیشتر درآمدشان از حق‌الزحمه‌ی خدماتی است که ارائه می‌دهند نه از واگذاری یا کمک‌های بلاعوض. شباهت بین انجیو^۱های بزرگ و کوچک بسیار زیادتر و برجسته‌تر از تفاوت‌های آنان بوده است. این سازمان‌ها بر کارمندان حقوق‌بگیر تکیه دارند نه بر کارکنان داوطلب و اساساً درآمدهای خدماتی را دستمزد قرار داده‌اند. انجیو دستمزدها و حقوق‌ها بزرگترین قسمت از هزینه‌های‌ها محسوب می‌شود. حساب‌های مالی به ظاهر رسیدگی شده‌اند. به طور مناسبی با مقامات انجیوهای دولتی ملاقات داشته و تعداد بسیاری از مدیران مرد، نسبتاً جوان، با تحصیلات دانشگاهی و از یک خانواده در سطح متوسط بوده‌اند. (گاری^۲ و گالف^۳، ۲۰۰۵: ۲۰۴۵-۲۰۵۰)

نلسون^۴ و دورسی^۱ در تحقیقی با عنوان «رابطه با حقوق بشر و توسعه: روشها و استراتژی‌های جدید سازمان‌های غیردولتی جهان از دانشگاه پیتسبورگ ایالات متحده

^۱ NGO

^۲ Gauri

^۳ Galef

^۴ Nelson

آمریکا» (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که: تعامل روبه رشد توسعه و حقوق بشر، بویژه عملکرد سازمان‌های غیردولتی، مفاهیم مهمی برای سازمان‌های غیردولتی، آژانس‌های کمک‌کننده و دولت در بردارد. سه نظام زیر مفاد تعامل در حال رشد را تشکیل می‌دهند: حقوق مبتنی بر رویکرد برای توسعه، حمایت مشترک به وسیله‌ی حقوق بشرو انجیوهای توسعه و گسترش و توجه گروه حقوق بشر به حقوق اقتصادی و اجتماعی. حقوق بشر به طور بین‌المللی استانداردهای مشخصی را به عنوان معیارها و مبنای جوابگویی شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی ارائه می‌دهد، که منبع انجیو جدیدی از نفوذ و تأثیر برای حمایت‌هاست، و اولین چالش بنیادی از نظر بازار است محوری بودن توسعه محسوب می‌شود که از دهه ۱۹۸۰ شایع شده. در این تحقیق تلاش سازمان‌های غیردولتی، برای ایجاد ارتباط بین حقوق بشر و توسعه بررسی می‌شود تا نقاط قوت و محدودیت‌های هر یک مشخص شود. (نلسون و دوروسی، ۲۰۰۳: ۲۰-۲۰۱۳).

کریسوس^۲ و همکارانش (۱۹۹۷) در تحقیق دیگری با «عنوان جرم، رسانه‌ها و احساس امنیت» با یک تحقیق پیمایشی از بزرگسالان در شهر تالاسی و فلوریدا، در اوج پخش یک برنامه وحشتناک درباره جرائم خشن، با کنترل نمودن سن، جنس، نژاد، تجربه‌ی قربانی و... به این نتیجه رسیدند که این عوامل به طور معناداری با احساس امنیت مرتبطند و از بین داده‌های به دست آمده از پرسش شونده‌گان، زنان سفیدپوست بین سنین ۳۰-۴۴ ساله، بیشترین میانگین را در رابطه با این عوامل به خود اختصاص داده‌اند. (کریسوس و دیگران، ۱۹۹۷)

اهداف تحقیق:

اهداف اصلی: بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتقاء احساس امنیت اجتماعی شهر اصفهان

¹ Dorsey

² Chiriicos

اهداف فرعی:

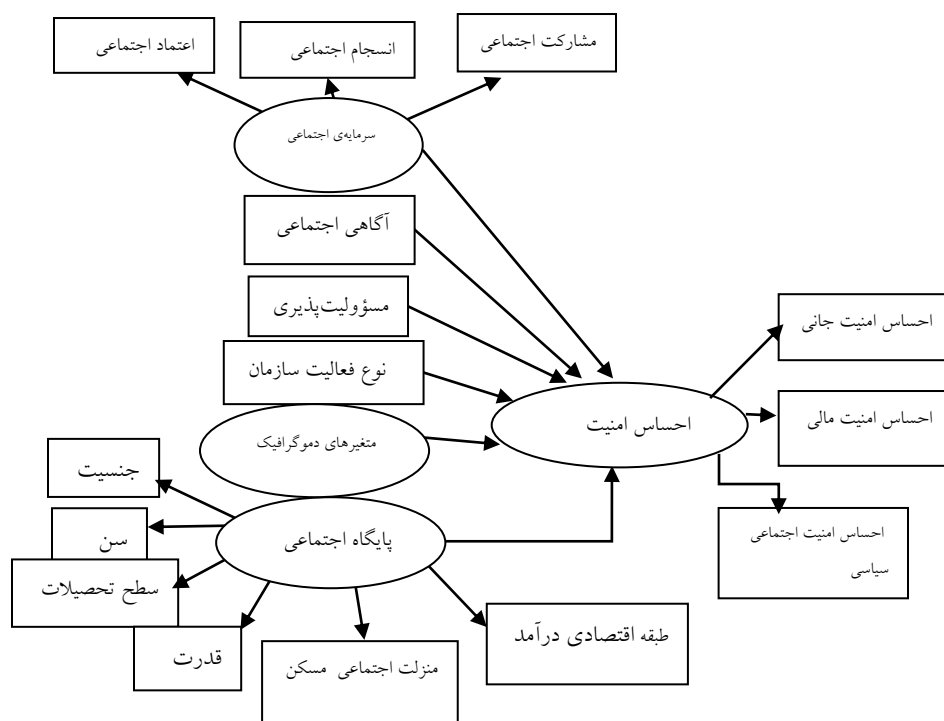
- شناخت نقش سرمایه‌ی اجتماعی ناشی از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتقاء احساس امنیت اجتماعی
- تحلیل رابطه‌ی مسؤولیت‌پذیری اجتماعی ناشی از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و احساس امنیت اجتماعی
- تبیین تأثیر آگاهی اجتماعی ناشی از عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد بر احساس امنیت اجتماعی
- مطالعه‌ی تأثیر متغیرهای دموگرافیک بر احساس امنیت اجتماعی اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد
- شناخت تأثیر نوع فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد بر احساس امنیت اجتماعی
- بررسی تأثیر مدت عضویت و همکاری افراد با سازمان‌های مردم‌نهاد بر احساس امنیت اجتماعی

فرضیه‌های تحقیق:

- بین سرمایه‌ی اجتماعی ناشی از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و ارتقاء احساس امنیت اجتماعی مردم شهر اصفهان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- بین آگاهی اجتماعی ناشی از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و ارتقاء احساس امنیت اجتماعی مردم شهر اصفهان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- بین مسؤولیت‌پذیری اجتماعی ناشی از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و ارتقاء احساس امنیت اجتماعی مردم شهر اصفهان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد عضو در سمن‌های اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- بین مدت عضویت افراد در سمن‌های اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی مردم شهر اصفهان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

- بین نوع فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و احساس امنیت اجتماعی مردم شهر اصفهان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- بین متغیرهای دموگرافیک افراد عضو در سمن‌های اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

مدل تجربی تحقیق



شکل (۱) مدل تجربی احساس امنیت اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد

روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهشی، یک تحقیق پیمایشی است. روش تحقیق در پژوهش حاضر، پیمایشی از نوع توصیفی است که ضمن به کارگیری اسناد و مدارک، از پرسشنامه نیز استفاده شده است.

از نظر زمانی تحقیق حاضر به صورت مقطعی انجام می‌گیرد. روش مقطعی صرفاً در یک زمان صورت می‌گیرد و واقعیت را در یک برهه از زمان مورد کنکاش قرار می‌دهد. از نظر سطح تحقیق، این پژوهش علی‌تبیینی است زیرا علاوه بر توصیف موضوع، به بررسی عوامل مؤثر بر آن نیز پرداخته شده و از نظر هدف کاربردی است.

جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری در تحقیق، کلیه‌ی سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در شهر اصفهانند که بنا بر آمار و مجوز اخذ شده از استانداری، ۱۹۰ سمن هستند که در یک تقسیم‌بندی کلی در زمینه‌های فرهنگی، هنری، محیط زیست، اجتماعی از جمله انجمن‌های خیریه-حمایت از کودکان، حمایت از بیماران خاص، تهیه‌ی جهیزیه - دانشجویی، مجمع مهندسان و..... فعالیت می‌نمایند.

پرسشنامه‌های تحقیق ۳۷۸ پرسشنامه حاضر در بین اعضای ۳۰ سازمان مردم‌نهاد فعال و در دسترس که جمعاً حدود ۲۴۲۴۰ عضو دارد به صورت تفکیک شده در شمال، جنوب، مشرق، مغرب و مرکز اصفهان توزیع شده است؛ برای انتخاب نمونه‌ی آماری، شیوه‌های گوناگونی وجود دارد، در این بررسی برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \cdot \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = 378.18 \quad n = \frac{\frac{1/96^2 \times 0/66 \times 0/34}{0/05^2}}{1 + \frac{1}{24240} \times \left(\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2} - 1 \right)}$$

در جدول زیر به نحوه‌ی نمونه‌گیری اشاره شده است.

جدول (۲) آماره‌های مربوط به تعداد حجم نمونه

پراکندگی سمن‌ها در مناطق پنجگانه اصفهان	تعداد کل اعضا	نمونه‌ی اتخاذ شده
تعداد اعضای سمن‌های واقع شده در منطقه‌ی شمال اصفهان	۴۹۰۰	۷۷ نفر
تعداد اعضای سمن‌های واقع شده در منطقه‌ی جنوب اصفهان	۴۲۵۰	۶۶ نفر
تعداد اعضای سمن‌های واقع شده در منطقه‌ی مرکز اصفهان	۵۴۶۰	۸۵ نفر
تعداد اعضای سمن‌های واقع شده در منطقه‌ی شرق اصفهان	۳۱۳۰	۴۹ نفر
تعداد اعضای سمن‌های واقع شده در منطقه‌ی غرب اصفهان	۶۵۰۰	۱۰۱ نفر
جمع کل	۲۴۲۴۰	۳۷۸ نفر

منبع: مرکز آمار و اطلاعات حوزه‌ی سیاسی - امنیتی استانداری اصفهان

یافته‌های تحقیق

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

آزمون رابطه‌ی احساس امنیت اجتماعی و پایگاه اجتماعی اقتصادی

• فرضیه: بین پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد عضو در سمن‌های اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه هر دو متغیر این فرضیه (پایگاه اقتصادی - اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی) در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، برای آزمون این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به جدول (۳) و سطح sig صفر نشان‌دهنده‌ی تأیید فرضیه‌ی بالا می‌باشد. ضریب همبستگی (۰.۳۶۴) نیز نشان‌دهنده‌ی همبستگی مثبت و قابل قبولی است و نشان‌دهنده‌ی این است که با بالا رفتن پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد، احساس امنیت اجتماعی آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند و هر چه پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد پایین‌تر باشد، احساس امنیت آن‌ها نیز کاهش می‌یابد.

جدول (۳) رابطه همبستگی بین متغیر مستقل پایگاه اجتماعی اقتصادی با متغیر احساس امنیت اجتماعی

احساس امنیت اجتماعی	پایگاه اجتماعی اقتصادی		
۰.۳۶۴	۱	ضریب همبستگی پیرسون	پایگاه اجتماعی اقتصادی
۰.۰۰۰		سطح معناداری	
۳۷۸	۳۷۸	تعداد	
۱	۰.۳۶۴	ضریب همبستگی پیرسون	احساس امنیت اجتماعی
	۰.۰۰۰	سطح معناداری	
۳۷۸	۳۷۸	تعداد	

آزمون رابطه‌ی مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی

• فرضیه: بین مسؤولیت‌پذیری اجتماعی ناشی از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و ارتقاء احساس امنیت اجتماعی مردم شهر اصفهان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آن جایی که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای هستند، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده نموده‌ایم. همانگونه که در جدول (۴) ملاحظه می‌گردد، رابطه بین مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده (۰.۱۱۷) و بیش‌تر از (۰.۰۵) است، معنادار نیست و فرضیه‌ی مورد نظر تأیید نمی‌گردد.

جدول (۴) رابطه‌ی همبستگی بین متغیر مستقل مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی

احساس امنیت اجتماعی	مسؤولیت‌پذیری اجتماعی		
-۰.۲۶	۱	ضریب همبستگی پیرسون	مسؤولیت‌پذیری اجتماعی
۰.۱۱۷		سطح معناداری	

۳۷۸	۳۷۸	تعداد	
۱	-۰.۲۶	ضریب همبستگی پیرسون	احساس امنیت اجتماعی
	۰.۱۱۷	سطح معنی داری	
۳۷۸	۳۷۸	تعداد	

آزمون رابطه‌ی میزان آگاهی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی

- فرضیه: بین آگاهی اجتماعی ناشی از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و ارتقاء احساس امنیت اجتماعی مردم شهر اصفهان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- با توجه به اینکه هر دو متغیر این فرضیه (آگاهی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی) در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، برای آزمون این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده نموده‌ایم. با توجه به جدول (۵) و sig به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه‌ی بین میزان آگاهی اجتماعی افراد و احساس امنیت اجتماعی معنادار است. همچنین همبستگی بین این دو متغیر (۰.۰۹۸) نشان می‌دهد که بین آگاهی اجتماعی افراد و احساس امنیت اجتماعی، رابطه‌ی مثبت ضعیفی وجود دارد یعنی، با افزایش میزان آگاهی اجتماعی افراد، احساس امنیت اجتماعی آن‌ها افزایش پیدا می‌کند و با کاهش میزان آگاهی اجتماعی افراد، احساس امنیت اجتماعی نیز کاهش می‌یابد.

جدول (۵) رابطه‌ی همبستگی بین متغیر مستقل آگاهی اجتماعی و احساس امنیت

اجتماعی

احساس امنیت اجتماعی	آگاهی اجتماعی		
۰.۰۹۸	۱	ضریب همبستگی پیرسون	آگاهی اجتماعی
۰.۰۰۰		سطح معناداری	
۳۷۸	۳۷۸	تعداد	
۱	۰.۰۹۸	ضریب همبستگی پیرسون	احساس امنیت

	۰.۰۰۰	سطح معناداری	اجتماعی
۳۷۸	۳۷۸	تعداد	

آزمون رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی

• فرضیه: بین سرمایه‌ی اجتماعی ناشی از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و ارتقاء احساس امنیت اجتماعی مردم شهر اصفهان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی، از نوع متغیر فاصله‌ای هستند، برای آزمون این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده نموده ایم. با توجه به جدول (۶) می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی افراد و احساس امنیت اجتماعی افراد معنادار است. همچنین همبستگی بین این دو متغیر (۰/۳۲۶) مثبت است که نشان می‌دهد بین سرمایه‌ی اجتماعی افراد و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد یعنی؛ هر چه سرمایه‌ی اجتماعی افراد بیش‌تر باشد، احساس امنیت اجتماعی آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند و همچنین چه سرمایه‌ی اجتماعی افراد پایین‌تر باشد، احساس امنیت اجتماعی آن‌ها نیز کاهش پیدا می‌کند.

جدول (۶) رابطه‌ی همبستگی بین متغیر مستقل سرمایه‌ی اجتماعی و احساس امنیت

اجتماعی

احساس امنیت اجتماعی	سرمایه‌ی اجتماعی		
۰.۳۲۶	۱	ضریب همبستگی پیرسون	سرمایه اجتماعی
۰.۰۰۰		سطح معناداری	
۳۷۸	۳۷۸	تعداد	
۱	۰.۳۲۶	ضریب همبستگی پیرسون	احساس امنیت اجتماعی
	۰.۰۰۰	سطح معناداری	
۳۷۸	۳۷۸	تعداد	

آزمون رابطه‌ی مدت عضویت در سازمان مردم‌نهاد و احساس امنیت اجتماعی

• فرضیه: بین مدت عضویت افراد در سمن‌های اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی مردم شهر اصفهان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

این فرضیه مدعی تفاوت بین احساس امنیت اجتماعی به لحاظ مدت عضویت افراد در سازمان‌های مردم‌نهاد است. از آن جایی که احساس امنیت اجتماعی، متغیری در سطح فاصله‌ای و متغیر مدت عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد متغیری رتبه‌ای است، برای بررسی صحت این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است.

جدول (۷) جدول توزیع پاسخگویان بر حسب میانگین مدت عضویت در سازمان مردم‌نهاد و

احساس امنیت اجتماعی

انحراف از استاندارد	میانگین	تعداد	احساس امنیت اجتماعی
			مدت عضویت در سازمان مردم‌نهاد
۱۳.۲۹۷۰۸	۶۳.۶۳۳۳	۶۰	کم‌تر از یک سال
۱۴.۵۳۸۱۱	۶۳.۰۹۷۲	۷۲	یک سال
۱۴.۱۶۵	۶۴.۷۵۴۴	۱۱۴	دو سال
۱۷.۵۴۱۴۰	۶۰.۱۲۸۸	۱۳۲	سه سال و بیش‌تر
۱۵.۳۷۵۸۸	۶۲.۶۴۵۵	۳۷۸	جمع کل

بر اساس جدول بالا، میانگین احساس امنیت اجتماعی برای پاسخگویان با مدت عضویت کم‌تر از یک سال برابر با ۶۳.۶۳۳۳ می‌باشد؛ برای افراد با مدت عضویت یک سال برابر با ۶۳.۰۹۷۲، برای افراد با مدت عضویت دو سال میانگین احساس امنیت اجتماعی برابر با ۶۴.۷۵۴۴ و برای افراد با مدت عضویت سه سال و بیشتر میانگین احساس امنیت اجتماعی برابر با ۶۰.۱۲۸۸ است.

جدول (۸) ANOVA بین مدت عضویت در سازمان مردم‌نهاد و احساس امنیت

سطح معناداری (Sig)	F	مربع میانگین (Mean square)	درجه آزادی (df)	احساس امنیت اجتماعی* مدت عضویت در سازمان مردم‌نهاد
۰.۱۱۴	۱.۹۹۷	۴۷۲.۱۰۴	۴	بین‌گروهی
		۲۳۶.۴۱۸	۳۷۴	درون‌گروهی
			۳۷۷	جمع کل

با توجه به اطلاعات جدول بالا، سطح معناداری ($\text{sig}=0/114$) است و بیش‌تر از (0.05) است بنابراین فرضیه‌ی مورد نظر تأیید نمی‌گردد پس می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که بین احساس امنیت اجتماعی و مدت عضویت در سازمان مردم‌نهاد رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

آزمون رابطه‌ی نوع فعالیت سازمان مردم‌نهاد و احساس امنیت اجتماعی

• فرضیه: بین نوع فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و احساس امنیت اجتماعی مردم شهر اصفهان رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

از آن جایی که احساس امنیت اجتماعی متغیری در سطح فاصله‌ای و متغیر نوع فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد متغیری اسمی است، برای بررسی صحت این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است.

جدول (۹) جدول توزیع پاسخگویان بر حسب میانگین نوع فعالیت سازمان مردم‌نهاد و

احساس امنیت اجتماعی

انحراف از استاندارد	میانگین	تعداد	احساس امنیت اجتماعی / نوع فعالیت
۱۶.۶۰۷۶۳	۶۱.۸۹۰۶	۶۴	فرهنگی
۱۵.۷۶۹۹۴	۶۳.۹۰۹۱	۱۱	هنری
۱۵.۴۹۹۵۱	۶۱.۹۰۳۷	۲۱۸	اجتماعی حمایتی

۱۴.۶۶۰۹۴	۶۴.۰۵۳۳	۷۵	مذهبی
۹.۳۹۳۲۶	۷۱.۷	۱۰	صنفي
۱۵.۴۳۶۷۵	۶۲.۶۴۵۵	۳۷۸	جمع کل

بر اساس جدول بالا، میانگین احساس امنیت اجتماعی برای اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد فرهنگی برابر با ۶۱.۸۹۰۶؛ برای اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد هنری برابر با ۶۳.۹۰۹۱، برای اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد اجتماعی حمایتی برابر با ۶۱.۹۰۳۷، برای اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد مذهبی برابر با ۶۴.۰۵۳۳ و برای اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد صنفی برابر با ۷۱.۷ است.

جدول (۱۰) جدول ANOVA بین نوع فعالیت سازمان مردم‌نهاد و احساس امنیت اجتماعی

سطح معناداری (Sig)	F	مربع میانگین (Mean square)	درجه آزادی (df)	احساس امنیت اجتماعی* نوع فعالیت سازمان مردم‌نهاد
۰.۲۱	۱.۲۰۱	۲۸۵.۶۲۳	۴	بین گروهی
		۲۳۷.۷۸۹	۳۷۳	درون گروهی
			۳۷۷	جمع کل

با توجه به اطلاعات جدول بالا، سطح معناداری ($\text{sig} = ۰.۲۱$) و بیشتر از (۰.۰۵) است بنابراین فرضیه‌ی مورد نظر تأیید نمی‌شود.

رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی

تحلیل رگرسیون چندگانه، روشی برای مطالعه سهم یک یا چند متغیر مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته است. متغیرهای مستقل را متغیرهای پیش‌بین و متغیر وابسته را متغیر ملاک نیز می‌گویند.

همانطور که در جدول (۱۱) مشاهده می‌شود، ۰.۲۵۹ درصد واریانس احساس امنیت اجتماعی توسط متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌ی تحقیق تبیین شده است و ۰.۷۴۱ درصد واریانس احساس امنیت اجتماعی توسط این متغیرهای مستقل تبیین نشده است و تحت تأثیر متغیرهای دیگری است که در این تحقیق بررسی نشده است.

جدول (۱۱) تحلیل رگرسیون چندمتغیره احساس امنیت اجتماعی

ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تبیین R ²	ضریب تبیین واقعی
۰.۵۰۹	۰.۲۵۹	۰.۲۵۱

سطح معناداری صفر در جدول (۱۲) نشان دهنده‌ی این است که ضریب تبیین نمونه‌ی مورد مطالعه، قابلیت تعمیم به جامعه‌ی آماری را دارد و نتایج به دست آمده از معادله‌ی رگرسیونی را می‌توان به جامعه‌ی آماری مورد نظر تحقیق تعمیم داد.

جدول (۱۲) تحلیل رگرسیون چندمتغیره احساس امنیت اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معناداری F
اثر رگرسیونی باقیمانده کل	۲۳۳۰۶.۶۶۶	۴	۵۸۲۶.۶۶۷	۳۲.۶۶۷	۰.۰۰۰
	۶۶۵۲۹.۸۳۱	۳۷۳	۱۷۸.۳۶۴		
	۸۹۸۳۶.۴۹۷	۳۷۷			

با توجه به جدول (۱۳) و sig های موجود در جدول می‌توان نتیجه گرفت که پایگاه اجتماعی و اقتصادی، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، آگاهی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی به دلیل اینکه سطح معناداری کم‌تر از ۰.۰۵ داشته‌اند، توانسته‌اند واریانس احساس امنیت را تبیین کنند. همچنین با توجه به ضرایب بتا از بین این متغیرهای مستقل، سرمایه‌ی

اجتماعی با ضریب (۰.۴۶۶) بیش‌ترین اثر و متغیر آگاهی اجتماعی با ضریب (-۰.۱۲۴) کم‌ترین اثر را در بین متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت اجتماعی داشته است. همچنین با توجه به ضریب بتا می‌توان نتیجه گرفت یک واحد تغییر در انحراف استاندارد پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ۰.۳۱ در متغیر احساس امنیت اجتماعی تأثیر داشته است، یک واحد تغییر در انحراف استاندارد مسؤولیت‌پذیری اجتماعی ۰.۲۷۳- در متغیر احساس امنیت اجتماعی تأثیر داشته است، یک واحد تغییر در انحراف استاندارد آگاهی اجتماعی، ۰.۱۲۴- در متغیر احساس امنیت اجتماعی تأثیر داشته است، یک واحد تغییر در انحراف استاندارد سرمایه‌ی اجتماعی، ۰.۴۶۶ در متغیر احساس امنیت اجتماعی تأثیر داشته است.

جدول (۱۳) سطح معناداری متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته‌ی احساس امنیت

Sig	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		منبع تغییرات
		بتا	خطای استاندارد	B	
۰.۰۰۰	۶.۵۹۷	۰.۳۱۰	۰.۱۴	۰.۹۲۶	پایگاه اجتماعی اقتصادی
۰.۰۰۰	-۴.۸۱۸	-۰.۲۷۳	۰.۱۱۲	-۰.۵۳۹	مسؤولیت‌پذیری اجتماعی
-۰.۰۳۹	-۲.۰۶۶	-۰.۱۲۴	۰.۱۴۹	-۰.۳۰۷	آگاهی اجتماعی
۰.۰۰۰	۰.۴۶۶	۰.۴۶۶	۰.۰۵۶	۰.۴۲۷	سرمایه‌ی اجتماعی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مطابق آزمون پیرسون رابطه‌ی پایگاه اجتماعی-اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی مورد تأیید است که نشان دهنده این است که با بالا رفتن پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد، احساس امنیت اجتماعی آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند و هر چه پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد پایین‌تر باشد، احساس امنیت آن‌ها نیز کاهش می‌یابد.

- بر اساس آزمون همبستگی پیرسون رابطه‌ی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی نیز معنادار نیست. رابطه بین این دو متغیر با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده (۰.۱۱۷) و بیش‌تر از (۰.۰۵) است. در نمونه‌ی آماری مورد بررسی معنادار نبوده و فرضیه‌ی مورد نظر تأیید نمی‌شود.

- با توجه به آزمون همبستگی پیرسون رابطه‌ی میزان آگاهی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی معنادار است. اگرچه میزان همبستگی (۰.۰۹۸) بین این دو متغیر نشان دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت ضعیفی بین آگاهی اجتماعی افراد و احساس امنیت اجتماعی است.

- با توجه به آزمون همبستگی پیرسون رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی معنادار است. همچنین همبستگی بین این دو متغیر (۰/۳۲۶) و مثبت است که نشان می‌دهد بین سرمایه‌ی اجتماعی افراد و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای مثبت وجود دارد یعنی؛ هر چه سرمایه‌ی اجتماعی افراد بیش‌تر باشد، احساس امنیت اجتماعی آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند؛ همچنین چه سرمایه‌ی اجتماعی افراد پایین‌تر باشد، احساس امنیت اجتماعی آن‌ها نیز کاهش پیدا می‌کند.

- با توجه به آزمون تحلیل واریانس رابطه‌ی مدت عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد انجیوها و احساس امنیت اجتماعی معنادار نیست.

- با توجه به آزمون تحلیل واریانس رابطه‌ی نوع فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد انجیوها و احساس امنیت اجتماعی مورد تأیید نیست.

- با توجه به آزمون تحلیل واریانس رابطه‌ی بین میزان تحصیلات افراد و احساس امنیت اجتماعی معنادار نیست؛ همچنین بین سن و احساس امنیت رابطه‌ی معناداری مشاهده نگردید.

- برای آزمون رابطه‌ی بین جنسیت و احساس امنیت اجتماعی، از آزمون t استیودنت استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده برای تفاوت میانگین بین جنسیت و احساس امنیت اجتماعی (۰.۰۲۴) فرضیه‌ی مورد نظر تأیید گردید و نتیجه

گرفته شد که جنسیت افراد در احساس امنیت اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار نیست و میانگین احساس امنیت اجتماعی مردان بیشتر از میانگین احساس امنیت اجتماعی زنان است. تحلیل رگرسیون چند متغیره عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی نیز نشان‌دهنده‌ی این است که ۰.۲۵۹ درصد واریانس احساس امنیت اجتماعی، توسط متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌ی تحقیق تبیین شده است و ۰.۷۴۱ درصد واریانس احساس امنیت اجتماعی توسط متغیرهای مستقل تبیین نشده است و تحت تأثیر متغیرهای دیگری است که در این تحقیق بررسی نشده است. همچنین با توجه به ضرایب بتا، سرمایه‌ی اجتماعی با ضریب (۰.۴۶۶) بیش‌ترین و متغیر آگاهی اجتماعی با ضریب (-۰.۱۲۴) کم‌ترین اثر را در بین متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت اجتماعی در نمونه‌ی مورد بررسی داشته است.

در ایران برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه و مدیریت شهری، اعم از شهری و منطقه‌ای و ملی، بر اساس روش قانون سلسله‌مراتبی کل به جزء و براساس روش برنامه‌ریزی جامع است. بنابراین آنچنان که باید و شاید نقش عموم مردم و شهروندان در این طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بویژه مسائل اجتماعی دخالت داده نشده است و برای پی بردن به عمق مشکلات اجتماعی شهری بهترین راه، همین مشارکت مردمی و نهادهای مختلف در طرح‌های توسعه شهری است. همین تجربه موارد خارج از قدرت دولت بوده و موفقیت آن‌ها در گرو مشارکت مردم و نهادهای محلی است و تنها با جلب اعتماد عمومی، تشویق مردم در مراحل مختلف تصمیم‌گیری‌ها و استفاده از مشاوره‌ی عمومی باعث می‌شود که: اولاً اجرای این برنامه‌ریزی‌ها با موفقیت همگام بوده و ثانیاً با اتکا به داده‌های موثق، نیازها و پشته‌های مردم، موفقیت تصمیم‌گیری‌ها را تضمین کنند و این مسئله درباره‌ی موضوعات و اجرای طرح‌های ارتقاء امنیت، به لحاظ وجود حساسیت‌ها و ظرافت‌های ویژه امنیت، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

در شرایط فعلی، محیط امنیتی یک لایه‌ی پیوسته و همراه با محیط اجتماعی است که از تعامل میان عوامل مؤثر در ساخت محیط اجتماعی پدید می‌آید. در یک نظام اجتماعی

برای تأمین و حفظ امنیت پایدار، درک ارتباط بین «امنیت» و «بستر اجتماعی» آن بسیار اهمیت دارد؛ از این رو توجه به بستر اجتماعی و نیروها و مؤلفه‌های نقش‌آفرین آن، اقدامی ضروری و لازم به نظر می‌رسد، یکی از انواع امنیت‌ها، امنیت اجتماعی است که جایگاه و موقعیت برجسته‌ای دارد و تولید و تأمین و پایدارسازی آن نیازمند مقدمات و زمینه‌های مناسب و نسبتاً پیچیده‌ای است و آسیب‌پذیری و زوال آن نیز تحت تأثیر زمینه‌ها و متغیرهای متفاوتی است که شناخت و معرفت بر آن‌ها ضرورتی اساسی دارد. به طور کلی عواطف مثبت زندگی انجمنی یا مشارکت اجتماعی؛ هزینه‌های کنترل و نظارت رسمی را کاهش می‌دهد و افراد را به رفتار مطابق با ارزش‌های اخلاقی تشویق می‌کند.

در شهر اصفهان وجود سازمان‌های مردم‌نهاد که از سابقه‌ی بسیار بالایی برخوردار بوده و در ابعاد، مختلف اجتماعی در حال فعالیت بوده دارای ظرفیت بسیار بالایی برای حفظ و ارتقاء امنیت هستند و به هر روی در جامعه‌ی خواهان امنیت پایدار، نمی‌توان فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را نادیده گرفت و به همین دلیل باید بسترهای مطلوبی برای فعالیت این سازمان‌ها فراهم شود تا بتوان به سوی توسعه‌ی پایدارگام برداشت. سازمان‌های مردم‌نهاد داخلی، در کنار نهادهایی که رسماً به پیشگیری از جرائم و ارتقاء امنیت اشتغال دارند، می‌توانند در مقیاس‌هایی کوچک‌تر، به آموزش گروه‌هایی از جامعه بپردازند. برنامه‌ریزی شایسته و ارزش دادن به سازمان‌های مردم‌نهاد و فعال ساختن سازمان‌های مورد نیاز، فرصت بهره‌وری از این بستر ایده آل را فراهم می‌آورد با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهاد‌های زیر را ارائه نمود:

- توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق ارتقاء سطح آموزش اعضا، با تأکید بر رسالت‌ها و اهداف واقعی سازمان‌های مردم‌نهاد (انجیوها)
- فراهم نمودن اطلاعات و منابع مورد نیاز برای آشنایی هر چه بیشتر عموم مردم با عناوین و اهداف واقعی سازمان‌های مردم‌نهاد

- ایجاد فضای مشارکت عمومی برای همه‌ی افراد جامعه به فراخور نیاز و شاخه‌ی فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد
- شفاف نمودن نوع فعالیت‌ها، دستورالعمل‌ها و ضوابط سازمان‌های مردم‌نهاد برای افراد جامعه
- تبیین، تبلیغ و اطلاع‌رسانی در مورد سازمان‌های مردم‌نهاد موجود در هر منطقه توسط رسانه‌های همگانی
- نیازسنجی دقیق مناطق به منظور مشخص نمودن تعداد و نوع سازمان‌های مردم‌نهاد در هر منطقه
- ایجاد انگیزه‌ی مشارکت و روحیه‌ی همکاری با این سازمان‌ها، از طریق سیاست-گذاری و برنامه‌ریزی‌های دقیق
- تقویت ساختار شبکه‌های اجتماعی که روابط متقابل را تسهیل می‌کند و سبب افزایش و تحکیم سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود.
- ایجاد ارتباط متناسب بین سازمان‌های مردم‌نهاد و نیروی انتظامی از طرق مختلف و متناسب با شرایط
- استفاده از متخصصان و صاحب‌نظران در زمینه‌ی فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد
- توجه به گسترش فرهنگ گفت‌وگو، اگرچه فعالیت‌های فرهنگی بلندمدت و متنوع است که با دوری از رفتارهای دستوری و کنش‌های مبتنی بر اجبار و مشارکت مردمی در اشکال و انحاء مختلف تبلور می‌یابد.

منابع:

- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۴). معماری امنیت عمومی و جایگاه تازه پلیس در جامعه، مجموعه مقالات کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی در تهران
- افتخاری، اصغر. (۱۳۷۸). ظرفیت طبیعی امنیت، فصل‌نامه‌ی دانش انتظامی، سال سوم، شماره‌ی

- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۴). ساختار اجتماعی امنیت؛ مطالعه‌ی موردی: جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش امنیت اجتماعی تهران، معاونت ناجا، انتشارات گلپونه. دانشکده‌ی علوم انتظامی
- بوزان، باری. (۱۳۷۱). دولت‌ها و هراس، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی
- بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم؛ دولت‌ها، ترس ترجمه‌ی پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- خوش‌فکر، غلامرضا. (۱۳۸۴). بررسی مشارکت مردم در ایجاد حفظ و گسترش امنیت اجتماعی
- خوش‌فکر، غلامرضا. (۱۳۸۴). امنیت و جامعه‌ی مدنی، نشریه‌ی امنیت، سال چهارم، شماره‌ی سیزدهم و چهاردهم، مرداد و شهریور
- شاکری، سید رضا. (۱۳۸۱). پلیس امنیت عمومی، انتشارات ساعس ناجا
- کارگر، بهمن. (۱۳۸۶). حاشیه نشینی و امنیت، جغرافیای نیروهای مسلح
- کلاهچیان، محمود. (۱۳۸۴). راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا، شماره‌ی ۱، انتشارات گلپونه
- محسنی، رضا علی؛ غلامرضا خوشنفر؛ قربان علی بابایی؛ میترا ابراهیمی. (۱۳۹۲). بررسی عامل‌های مؤثر بر انگیزه‌ی مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد، فصلنامه‌ی زن و جامعه، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۲
- مطهری نیا، مهدی. (۱۳۸۴). وقایع و سیره‌ی امام علی (ع)، اینترنت
- معاونت اجتماعی ناجا. (۱۳۸۴). فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی
- میری آشتیانی، الهام. (۱۳۸۳). بحران امنیت اجتماعی در ایران، ماهنامه‌ی برداشت اول؛ سال سوم، شماره‌ی ۲۲.
- ناطق پور، محمدجواد. (۱۳۸۴). سرمایه‌ی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۴
- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۲). گزارش پژوهش امنیت اجتماعی، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی. شماره‌ی ۱۸

- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۵). تحلیل رابطه‌ی امنیت اجتماعی و هویت ایرانی، فصلنامه‌ی تخصصی جامعه‌شناسی، سال دوم، شماره‌ی ۳
- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۲). امنیت اجتماعی روایتی جامع، تهران
- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۴). شاخص‌های امنیت اجتماعی
- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۴). گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا
- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال ششم. شماره‌ی ۱۹

- Chiriicos, Ted. Sarah, Esch holz & Marc, Gertz. (1997). **Crime, News and Fear of Crime : To Ward An Identification of Audience Effects**
- Gauri Varun & Galef Gulia (2005), **NGOs in Bangladesh, activities, resources, and governance, World Development, 33(12), pp. 2045-2065**
- Nelson Paul J & Dorsey Ellen (2003), **At the nexus of human rights and development: New Methods and Strategies of Global NGOs, World Development 31(12), pp. 2013-2026**